

دعاوی حقوقی عقد ازدواج در حقوق خانواده

عمید محمدی^۱

، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران
amid_mohammadi@jahromu.ac.ir

مهدی میرزاخانی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران
Mahdi313mirza@gmail.com

چکیده

1

دعاوی حقوقی برای احراز جرم و مجازات مجرم نیست بلکه هدف از طرح آن حل اختلاف میان اشخاص و رسیدن هر فرد به حقوق خود می باشد و افراد، باید برای طرح دعاوی حقوقی خود، نمونه فرم دادخواست بدوی یا تجدید نظر را به مراجع صالح، تقدیم نمایند. در حوزه خانواده نیز، قانون حمایت خانواده مصوب، این مقررات کیفی را پیش بینی نموده است. از این رو، مطالعه حاضر به بررسی دعاوی حقوقی عقد ازدواج در حقوق خانواده پرداخته است. در این راستا یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داده است که دعاوی حقوقی عقد ازدواج، فصولی از قانون مجازات اسلامی است. زیرا قوانین در خصوص حمایت از استحکام خانواده آن چنان قوی و روشن باید باشد تا این هدف را تامین نماید و امری را به قاضی واگذار ننماید. لذا چنانچه کاستی‌ها و نواقص آن پنهان بوده و در برخی موارد اعمال آن را با مشکل مواجه می نماید. از این رو، بررسی این موضوع از قانون مجازات اسلامی، می تواند راهگشای کشف ضمانت اجراهای کیفی مناسب شود تا ناهنجاری‌هایی که موجب سستی روابط خانواده یا اضمحلال آن می شود، مرتفع گردد. کلیدواژه ها: طلاق، اموال زوجیت، دعاوی حقوقی، آرای دادگاه‌های دینی.

مقدمه

ازدواج در لغت یعنی با هم جفت شدن، جفت گرفتن، زن گرفتن، شوهر کردن، و به معنی زناشویی هم می آید.^۲ و در اصطلاح حقوقی، ازدواج (نکاح) رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که بوسیله عقد (به نظر می رسد که منظور از عقد (مفهوم شرعی نکاح) نه تنها صیغه، بلکه مراد حاصل از آن است که در فارسی به «زن گرفتن» تعبیر می شود). بین زن و مرد حاصل می گردد و به آنها حق می دهد که با یکدیگر زندگی کنند؛ و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است. ماده ۱۰۶۲ قانون مدنی، شرط وقوع ازدواج را، ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید، می داند. از لزوم صریح بودن دلالت الفاظ بر قصد نکاح، نباید نتیجه گرفت که ازدواج عقد تشریفاتی است و تنها با بیان الفاظ خاص واقع می شود.

¹ نویسنده اول

² عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، چاپ اول، ص ۱۱۰.

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

نکاح با معاطات واقع نمی‌شود. با وجود این، دادگاه می‌تواند از زندگی مشترک زن و مرد و سایر قرائن وقوع نکاح را احراز کند.^۳ (معاطات: یک عقد معوض است که ایجاب و قبول آن لفظی یا کتبی و یا اشاره نبوده بلکه به دادن و ستادن صورت می‌گیرد مانند بیع معاطات. غالب فقها عقود معاطاتی را عقد نمی‌دانند مثلاً بیع معاطاتی را عقد نمی‌دانند ولی بیع می‌دانند و بیع از نظر آنان دو قسم است: بیع عقدی، غیرعقدی، بیع عقدی بیعی که ایجاب و قبول آن لفظی است و بیع غیر عقدی (معاطاتی) بیعی که به دادن و ستادن صورت می‌گیرد. مثلاً می‌ری نانوايي بدون اینکه حرف بزنی پول را بالای منبر می‌گذاری و نانت را برمی‌داری).^۴ و در ماده ۱۰۶۳ قانون مدنی از ایجاب و قبول به طور اصالت یا نیابت، بحث شده است. و در ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی، به موضوع اهلیت عاقد در عقد نکاح (ازدواج) پرداخته است و می‌گوید که: عاقد باید عاقل و بالغ باشد. و علتش این است که نکاح، چون عقد است باید شرایط اساسی سایر عقود را باندک تفاوت دارا باشد؛ یعنی زن و شوهر باید قاصد و بالغ باشند و جهت عقد نیز مشروع باشد یعنی مکره و نابالغ و دیوانه نباشند.

وانگهی، عقد نکاح یکی از عقود معین است و بدین جهت علاوه بر شرایط عمومی برای صحت عقود، باید دارای شرایط مختصه به خود نیز باشد.^۵

قانونگذار در ماده ۱۰۶۵ قانون مدنی، لزوم توالی ایجاب و قبول را شرط صحت عقد نکاح شمرده است. و توضیحش این هست که: قبول باید در زمانی گفته شود که عرف آن را متوالی و مربوط به ایجاب بداند یعنی پشت سر هم. نه اینکه ایجاب در ساعتی و قبول در ساعتی دیگر یا ایجاب در مکان و مجلس عقد و قبول پس از آن. فلذا می‌گویند توالی عرفی ایجاب و قبول و اگر چنین نشود، بدلیل عدم رعایت توالی ایجاب و قبول، عقد نکاح باطل است.

البته این حکم، ویژه نکاح نیست و در تمام قراردادها باید رعایت شود.^۶

دلیل لزوم توالی بین ایجاب و قبول را باید در قواعد عمومی قراردادها مطالعه کرد؛ زیرا این حکم ویژه نکاح نیست و در تمام قراردادها، قبول باید در زمانی گفته شود که ایجاب هنوز به حیات حقوقی خود ادامه دهد.^۷

زیرا حل مشکل اموال زناشویی و راه‌حلهایی برای غلبه بر این مسائل در واقع دشوار و پیچیده است (دوتی،^۸ ۲۰۲۲). این اتفاق به این دلیل رخ می‌دهد که هر یک از طرفین ادعا می‌کند که بیشترین مشارکت را دارد و به طور کامل در به دست آوردن دارایی زناشویی در بین طرف‌های دیگر کمک می‌کند (پیکار،^۹ ۲۰۲۲). هنگام بررسی پرونده‌هایی که در رسیدگی و تصمیم‌گیری در مورد اختلافات زناشویی رخ می‌دهد (سوادی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۳)، قاضی رسیدگی کننده به پرونده باید مقرراتی بر اساس مقررات قانونی داشته باشد (کاتز^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳).

^۳ کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، ص ۶۶۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم.
^۴ به نقل از شماره ۵۲۸۴ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۶۶۰، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۶۷، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲.

^۵ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۴، ص ۴۱۳، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷، چاپ شانزدهم.

^۶ امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ص ۶۶۲، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷، چاپ شانزدهم.

^۷ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۶۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ سوم.

^۸ Doty

^۹ Pickar

^{۱۰} Suwadi

^{۱۱} Katz

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

با توجه به مفاد قانون لازم الاجرا یا قانون در مورد اموال زوجیت به معنای اموالی است که در ابتدای ازدواج تحصیل و تملک شده یا توسط مؤسسه ازدواج تا پایان ازدواج قانونی شده است (سفرا^{۱۲}، 2023). برخی از دلایل پایان نکاح می‌تواند ناشی از طلاق، فوت یا تصمیم دادگاه صالح در مورد موضوع باشد. ظهور مقررات مربوط به ازدواج اساساً در راستای دستیابی به هدف توسعه پایدار است، این مطابق با مفاد اهداف توسعه پایدار (SDGs) در سطح بین‌المللی تا سطح ملی است (آگوستینوس^{۱۳} و همکاران، 2023). یکی از آرزوهای مورد انتظار این است که برای سرکوب ازدواج زیر سن قانونی که می‌تواند برای آینده خطرناک باشد، مقرراتی در مورد محدودیت‌های ازدواج وجود داشته باشد (دین^{۱۴}، 2021). سایر مقررات نیز در مورد طلاق که بر اموال مشترک و حقوق کودکان قربانی آثار پس از طلاق تأثیر می‌گذارد.

این آیین نامه توضیح می‌دهد که در تعیین دارایی زناشویی (مپونگ و لی^{۱۵}، 2023)، عامل اصلی که باید در نظر گرفته شود، زمانی است که دارایی تحصیل می‌شود یا وجود یا عدم وجود آن در قرارداد ازدواج شرط شده است (سفرا، 2023). بنابراین در دعوای مربوط به اموال زناشویی، توجه اصلی صرفاً مربوط به زمان تحصیل مال یا سایر امور مربوط به مصالح زن و شوهر سابق است.

در طول ازدواج، مطمئناً همه زوج‌های زن و شوهر امیدوارند که در کنار هم بمانند تا برای همیشه زندگی زناشویی داشته باشند (بریتینگهام^{۱۶}، 2022). با این حال، گاهی اوقات مشکلات در ازدواج حتی اگر مطلوب نباشد، پیش می‌آید. بنابراین، یکی از بدترین راه‌ها برای رفع مشکل (کمپیل^{۱۷}، 2020)، یعنی جدایی باید به دلایلی رخ دهد. البته طلاق می‌تواند عواقبی را نه تنها برای زوجین، بلکه برای فرزندان نیز داشته باشد (کوک اندرسون^{۱۸} و همکاران، 2022).

تصمیمات متعددی در یک پرونده یا پرونده یکسان، تصمیمات دادگاهی متفاوتی دارند که نویسنده علاقه‌مند به بحث و بررسی است، به ویژه در مورد تصمیمات مربوط به دعاوی حقوقی عقد ازدواج در حقوق خانواده که بحث اصلی در تحقیق و کاوش بیشتر در این زمینه است. به چندین سیاست در تصمیمات دادگاه که دارایی زناشویی و گفتمان را در مورد حقوق کودکان پس از طلاق قرار می‌دهد (کوموتزیز^{۱۹}، 2023).

چارچوب نظری

ازدواج که پیوند زناشویی نیز نامیده می‌شود، یک پیوند فرهنگی و اغلب قانونی/حقوقی به رسمیت شناخته شده بین افرادی به نام همسر یا شوهر است. این پیوند حقوقی تعهداتی را بین افراد پیوند داده شده و نیز بین آنها و فرزندانشان و بین آنها و خویشاوندان سببی‌شان برقرار می‌کند (هاویلند^{۲۰} و همکاران، 2011). ازدواج تقریباً یک پدیده جهان فرهنگی است اما تعریف ازدواج بین فرهنگ‌ها و مذاهب و در طول زمان متفاوت است. به‌طور معمول، ازدواج نهاد اجتماعی است که در آن روابط بین فردی، معمولاً جنسی، تأیید

12 Sferra

13 Agustinus

14 Deane

15 Mappong & Lili

16 Brittingham

17 Kapelle

18 Quek Anderson

19 Koumoutzis

20 Haviland

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

یا نفی می‌شوند. در برخی فرهنگ‌ها، ازدواج قبل از انجام هر گونه فعالیت جنسی اجباری است یا به آن توصیه می‌شود (امبر^{۲۱}، 2016).

افراد ممکن است به دلایل مختلفی ازدواج کنند؛ از جمله اهداف قانونی، اجتماعی، میل جنسی، عاطفی، مالی، معنوی یا مذهبی. اینکه چه کسی با آنها ازدواج می‌کند ممکن است تحت تأثیر جنسیت، قوانین اجتماعی تعیین شده برای زنان با محارم، قوانین تجویزی ازدواج، انتخاب والدین و میل فردی و محیط باشد. در برخی از مناطق جهان ازدواج تریبی-سنتی، ازدواج کودکان، چندهمسری و ازدواج اجباری نیز انجام می‌شود. در سایر زمینه‌ها، چنین اقداماتی برای حفظ حقوق زنان یا حقوق کودکان (چه زن و چه مرد) یا در نتیجه قوانین بین‌المللی غیرقانونی است. در برخی از نقاط جهان، ازدواج از لحاظ تاریخی حقوق زنان را که دارای شوهر محسوب می‌شوند (یا می‌شدند) را محدود کرده است. در سرتاسر جهان و عمدتاً در دموکراسی‌های توسعه‌یافته، یک گرایش کلی به سمت تضمین حقوق برابر برای زنان در ازدواج (از جمله لغو وابستگی حقوقی به مردان، آزادسازی قوانین طلاق، و اصلاح حقوق باروری و جنسی) و به رسمیت شناختن قانونی ازدواج‌های بین ادیانی، بین نژادی، قومی، زوج‌های بین کاست و زوج‌های همجنس وجود داشته‌است. مناقشات و بحث در مورد وضعیت حقوقی زنان متأهل، سازگاری با خشونت در ازدواج، آداب و رسوم مانند جهیزیه، مهریه و قیمت عروس (شیربها)، ازدواج اجباری، سن ازدواج و جرم انگاری رابطه جنسی قبل از ازدواج و رابطه خارج از ازدواج همچنان در سرتاسر جهان ادامه دارد. در تاریخ اقتصادی اثبات شده که سن زن در هنگام ازدواج یک شاخص قوی برای خودمختاری زنان است و به‌طور مداوم توسط تحقیقات تاریخ اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد (باتن^{۲۲} و همکاران، 2018).

ازدواج می‌تواند توسط یک دولت، یک سازمان، یک مرجع مذهبی، یک گروه قبیله‌ای، یک اجتماع محلی یا همسالان و آشنایان به رسمیت شناخته شود. ازدواج اغلب به عنوان یک قرارداد در نظر گرفته می‌شود. ازدواج مذهبی توسط یک مؤسسه مذهبی برای شناخت و ایجاد حقوق و تکالیف ذاتی زوجیت در آن دین انجام می‌شود.

مردم شناسان چندین تعاریف متضاد از ازدواج را در تلاش برای دربرگرفتن طیف گسترده‌ای از شیوه‌های زناشویی مشاهده شده در فرهنگ‌ها ارائه کرده‌اند. حتی در فرهنگ غربی، «تعریف ازدواج از یک افراط به دیگری و در هر نقطه‌ای در این میان متمایز شده است» (همان‌طور که «Evan Gerstmann» گفته‌است) (بل^{۲۳}، 1997).

مردم‌شناسان برای این‌که تنوع وسیع اعمال زناشویی مشاهده شده از سوی فرهنگ را در نظر بگیرند چندین تعریف رقابتی از ازدواج پیشنهاد کرده‌اند. ادوارد وسترمارک^{۲۴} در کتابش با عنوان «تاریخ ازدواج انسان (۱۹۲۱)» ازدواج را به این صورت تعریف می‌کند: ارتباط پردوام یا کم‌دوام نر و ماده گذشته از عمل زادآوری محض تا بعد از تولد فرزند «او در کتاب» آینده ازدواج در تمدن وسترن «تعریف پیشین‌اش را رد می‌کند و در عوض به‌طور موقت ازدواج را این‌گونه تعریف می‌کند: «رابطه یک یا تعداد بیشتری مرد با یک یا تعداد بیشتری زن که بوسیله عرف یا قانون پذیرفته شده است».

یادداشت‌ها و جستجوها (۱۹۵۱)، کتابچه راهنمای انسان‌شناسی، ازدواج را چنین تعریف کرده‌است، «پیوندی بین یک زن و یک مرد به‌طوری‌که بچه‌های متولد شده از زن به عنوان فرزندان مشروع هر دوی والدین شناخته شوند.» در راستای رویه معمول در میان مردم ساکن قبایل جنوب سودان و غرب اتیوپی که به زن‌ها اجازه می‌داد در شرایط خاص در نقش شوهر عمل کنند، کاتلین گوگ

²¹ Ember

²² Baten

²³ Bell

²⁴ Westermarck

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

انسان‌شناس بریتانیایی [پیشنهاد داد که آن تعریف را به این صورت تغییر دهند که «یک زن و یک یا چند شخص دیگر» (گوف^{۲۵}، ۱۹۵۹).

دموند لیچ تعریف گافس را مورد انتقاد قرار می‌دهد و آن را در مقوله شناخت حلال‌زادگی (مشروعیت) فرزند بسیار دست و پاگیر می‌داند و پیشنهاد می‌کند که ازدواج را مانند انواع متفاوتی از قوانین که برای اجرایی شدن وضع می‌شوند نگاه کنیم. لیچ تعریف‌اش را باز می‌کند و می‌گوید: «ازدواج رابطه‌ای است که بین یک زن با یک یا تعداد بیشتری از اشخاص دیگر برقرار می‌شود- که این روابط تولد کودکی را تحت پیشامدهایی که توسط قوانین رابطه‌ها قدغن نشده‌اند میسر می‌کند- تمامی قوانین همگانی مراتب تولد مطابقت داده شده‌اند با عضوهای معمولی یا سطوح متفاوت جامعه» (گودمن^{۲۶}، ۱۹۷۶). استدلال لیچ این است که هیچ‌کدام از تعاریف ازدواج برای همه فرهنگ‌ها قابل اجرا نیست. او لیستی از ده قانون مرتبط شده با ازدواج را ارائه می‌کند شامل انحصار جنسی، قوانینی با احترام به کودک و قوانین متنوع ویژه‌ای از سوی فرهنگ (لیچ^{۲۷}، ۱۹۵۵).

دوران بل همچنین تعریف بنیان مشروعیت را با این اصل که برخی جوامع برای ازدواج به مشروعیت احتیاج ندارند مورد نقد قرار می‌دهد و این‌گونه استدلال می‌کند: در جوامعی که نامشروعیت فقط به معنای ازدواج نکردن مادر است و غیر از این هیچ قانون ضمنی دیگری وجود ندارد تعریف بنیان مشروعیت ازدواج چرخه‌ای است. او تعریف ازدواج را در مقوله قوانین دستیابی جنسی قرار می‌دهد (بل، ۱۹۹۷).

5

قانون ازدواج به طور کلی اساس روابط خانوادگی را از زمان شروع ازدواج تا پایان ازدواج تنظیم می‌کند. ازدواج موجب اموال زناشویی و فرزندان در دوران عقد می‌شود. اما اگر مشکلات زناشویی وجود داشته باشد در طلاق و تقسیم اموال زناشویی در دادگاه برای ایجاد حس عدالت، مصلحت و قطعیت در عنوان دعوی تأثیر دارد.

ازدواج به زوجین، حقوق و وظایفی اعطا می‌کند؛ و از آنجاکه یگانه ساختار ایجاد خویشاوندی سببی است این وضع گاهی شامل خویشاوندان آن‌ها نیز می‌شود؛ و می‌تواند شامل موارد ذیل باشد:

- واگذاری کنترل بر خدمات جنسی، کار و اموال همسر به شوهر/زن یا خانواده دیگری
- واگذاری مسئولیت دیون همسر به شوهر/زن
- دادن حق ملاقات همسر به شوهر/زن هنگامی که وی بستری با زندانی است.
- واگذاری کنترل امور همسر به شوهر/زن هنگامی که وی ناتوان است.
- گماردن دومین سرپرست قانونی فرزند والد
- برقراری حسابی مالی مشترک به خاطر کودکان
- برقراری خویشاوندی میان خانواده‌های زوجین

این حقوق و وظایف در میان جوامع و گروه‌های گوناگون در هر جامعه به‌طور قابل ملاحظه‌ای متغیر است (لیچ^{۲۸}، ۱۹۵۵).

علاوه بر موارد فوق، شرایط ازدواج، شرایطی است که قانونگذار در قانون مدنی برای عقد ازدواج ذکر کرده است. به این معنا که در صورت وجود این شرایط عقد ازدواج درست است و در غیر این صورت عقد صحیح نیست؛ مانند اینکه طرفین بالغ باشند، قصد ازدواج

²⁵Gough

²⁶ Gudeman

²⁷ Leach

²⁸ Leach

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

داشته باشند، با اراده و اختیار اقدام به ازدواج کنند. زیرا خانواده نقطه کانونی اجتماع است. زمانی که افراد در خانواده قانونمدار باشند می‌توانیم توقع داشته باشیم در جامعه نیز فردی منضبط و آراسته خواهند بود. برای قانونی زیستن در محیط خانواده باید بدانیم در خانواده چه اقداماتی قانونی است و چه اعمالی غیرقانونی و تازه بعد از این مرحله است که اخلاق به ما حکم می‌کند که هر کار قانونی را هم لزوماً نباید انجام داد. در کل می‌توان گفت که هر کس در محیط خانواده دارای تکالیفی است که باید آنها را به انجام برساند. ترک این تکالیف ممکن است پیامدهای مختلفی از پیامدهای ساده‌ای مثل توبیخ در محیط خانواده تا نتایج سنگینی مثل مجازات داشته باشد. در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی، در بخشی با عنوان دعوی بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی، آن دسته تکالیفی که ترک آن موجب مجازات می‌شود، نام برده شده است.

انواع دعوی در فرآیند عقد و ازدواج

• عدم ثبت ازدواج

شاید اولین قدم‌ها برای تشکیل یک زندگی قانونی ثبت آن است. ثبت ازدواج یکی از بایدهایی است که در نوع خود اهمیت ویژه دارد. در واقع برای آنکه امکان نظارت بر روابط خانوادگی وجود داشته باشد، ثبت وقایعی مانند طلاق و ازدواج لازم است. البته این در حالی است که در فقه ما، هیچ تأکیدی بر ثبت این وقایع وجود نداشته است اما در قانون، ثبت ازدواج دائم، طلاق و رجوع لازم است و اگر مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم، طلاق و رجوع کند به مجازات حبس تعزیری تا یک‌سال محکوم می‌شود. همان‌طور که معلوم است، در صورت ثبت نکردن وقایع مذکور، فقط مرد مجازات می‌شود و برای زن مجازاتی پیش‌بینی نشده است. علاوه بر این، ثبت ازدواج موقت ضروری نیست. به جز قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت خانواده که به تازگی به تصویب رسیده، اجازه ثبت نکردن ازدواج موقت (جز در چند مورد) را داده است. لذا می‌توان گفت علاوه بر پیش‌بینی مجازات برای جرم عدم ثبت واقعه ازدواج، در ثبت نمودن طلاق نیز الزام وجود خواهد داشت.

در قانون مصوب برای حمایت از خانواده برای جرم ثبت نکردن واقعه ازدواج مجازات مشخص تعیین گردیده است و امکان استناد به ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی برای آن وجود نخواهد داشت. بر طبق ماده ۴۹ قانون مصوب حمایت از خانواده که مجازات جرم عدم ثبت واقعه ازدواج به قرار زیر می‌باشد:

" اگر زوج بدون ثبت نمودن در دفاتر رسمی اقدام به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح نماید یا پس از رجوع ظرف مدت یک ماه آن را ثبت ننماید یا در مواردی که برای ثبت واقعه ازدواج موقت الزام وجود دارد، از آن خودداری نماید، علاوه بر ملزم شدن به ثبت رسمی عقد، به حبس تعزیری با درجه ۷ و همچنین پرداخت جریمه نقدی با درجه ۵ محکوم خواهد شد. "

طبق این ماده مجازات جرم عدم ثبت واقعه ازدواج دائم شامل جزای نقدی درجه ۵ و علاوه بر آن حبس تعزیری درجه ۷ می‌باشد. لازم به ذکر است که مجازات جرم عدم ثبت واقعه ازدواج تنها شامل آقایانی می‌شود که از ثبت نمودن ازدواج با خانم امتناع نموده‌اند و خانم را نمی‌شود برای این امر مجرم شناخته و به خاطر ثبت نمودن ازدواج یا نکاح برای او مجازات تعیین نمود.

مجازات برای جرم عدم ثبت کردن ازدواج یا نکاح در این ماده قانونی هم ازدواج و نکاح دائم را شامل می‌شود و هم برای ازدواج موقتی است که بر اساس قانون در آن مرد موظف به ثبت نمودن آن شده است.

طبق مقررات مرجع شکایت علیه جرم عدم ثبت واقعه نکاح یا ازدواج دائم یا موقت دادسرا می‌باشد. زوجه امکان شکایت کیفری از همسر خود به جرم عدم ثبت نمودن ازدواج یا نکاح دائم و موقت را در دادسرا دارد. بدین وسیله زوج نه تنها به مجازات ثبت نکردن واقعه ازدواج دائم یا موقت محکوم خواهد شد، بلکه موظف به ثبت کردن عقد نکاح دائم یا موقت خود نیز می‌شود.

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

این امر را می‌توان یک ضمانت اجرای حقوقی مطلوب برای بانوان دانست. لازم به ذکر است که زوجه این امکان را دارد که به جای شکایت نمودن علیه زوج به جرم عدم ثبت واقعه ازدواج، به صورت حقوقی اقدام نماید و به دادگاه دادخواست ثبت ازدواج یا نکاح موقت و دائم را ارائه دهد. برای این امر دادگاه خانواده، دادگاه صلاحیت دار و اصلح به منظور ملزم نمودن زوج به ثبت کردن واقعه نکاح دائم یا در موارد خاص نکاح موقت می‌باشد.

• عدم پرداخت نفقه

نفقه یکی از حق و حقوق اصلی زوجه است که مرد موظف به پرداخت آن می‌باشد و عدم پرداخت آن با عواقب و مشکلاتی همراه خواهد بود و زوجه می‌تواند با استناد به این موضوع درخواست طلاق نیز بدهد. هنگام جاری شدن صیغه عقد توسط مجری قانون، زوجین علاوه بر تعهد به یکدیگر، قانوناً به حقوقی نسبت به یکدیگر نیز متعهد می‌شوند؛ بدیهی است که اساس شکل گیری ازدواج محبت و تعهد به مسئولیت‌های شرعی می‌باشد، اما تا زمانی که تحت حمایت و نظارت قانون قرار نگیرد، ضمانتی برای اجرایش وجود ندارد! به عنوان مثال تمکین خاص و عام زن از شوهرش از حقوقی می‌باشد که در قانون برای مرد در نظر گرفته شده است؛ در مقابل مهریه، اجرت المثل، امکان استرداد جهیزیه و نفقه جزو حقوقی می‌باشد که در قانون برای حمایت از حقوق زوجه(زن) پیش بینی شده است.

در ماده 1106 ق.م. و ماده 1109 ق.م.ا. نفقه همسر را مشروط به دو شرط می‌داند که ذکر می‌گردد:

1- نکاح دائم؛ به این معنا که فقط در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر می‌باشد و در نکاح منقطع نفقه به زن تعلق نمی‌گیرد. مگر اینکه شرط ضمن عقد نموده باشد. این حکم در ماده 1113 ق.م. تصریح شده است.²⁹ همچنین زوجه پس از وقوع عقد نکاح و قبل از اولین تمکین خاص، چنانچه به استناد حق حبس از تمکین امتناع ورزد، مستحق دریافت نفقه می‌باشد که در ماده 1085 ق.م. به آن اشاره شده است.³⁰

2- تمکین؛ زن در صورت نداشتن مانع مشروع نباید از تمکین در مقابل مرد امتناع ورزد، لازم به ذکر است که منظور از تمکین عام، ادای وظایف زوجیت است و تمکین خاص در مقابل استمتاعات زوج می‌باشد. «مانع مشروع نیز به عذرهای شرعی اطلاق می‌شود که زن با وجود آن از انجام وظایف زناشویی از نظر شرعی معذور است. مانند: روزۀ واجب یا بیماری که پزشک زوجه را از آمیزش ممنوع کرده باشد.» مصداق بارز تمکین در برابر شوهر، سکونت مشترک با وی می‌باشد و زنی که به خانه شوهر نمی‌رود، موجب سقوط حق نفقه خود می‌شود. البته چنانچه زن به موجب خوف از ضرر مالی، جانی یا حیثیتی از بودن با شوهر در یک منزل استنکاف نماید و این ادعا در محکمه محرز شود؛ طبق ماده 1115 ق.م. نفقه وی به عهده شوهر است.³¹

از این رو، نفقه زن برعهده شوهر است و هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند وی را از انجام این تکلیف معاف کند. ترک انفاق، به زن امکان می‌دهد که از دادگاه اجبار شوهر خود را به پرداخت نفقه بخواهد و اگر باز هم شوهر نفقه را پرداخت نکرد، درخواست طلاق کند. علاوه بر این، نپرداختن نفقه در شرایطی که در ادامه بیان می‌شود، جرم به شمار می‌رود و قابل مجازات است. برای آنکه ترک انفاق جرم باشد،

²⁹ ماده 1113 ق.م.ا. «در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مینی بر آن جاری شده باشد».

³⁰ ماده 1085 ق.م.ا. «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط بر اینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود».

³¹ ماده 1115 ق.م.ا. «اگر بودن زن یا شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن می‌تواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور محکمه حکم بازگشت به منزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود».

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

باید شوهر با وجود داشتن توان مالی، از پرداختن نفقه خودداری کند و شرط دیگر تمکین زن است یعنی در صورت خودداری زن از تمکین، ندادن نفقه منجر به مجازات شوهر نخواهد شد.

علاوه بر همسر، پرداخت نفقه برای برخی از خویشاوندان هم ضروری است که به آن نفقه اقارب می‌گویند. در صورتی که کسی با وجود استطاعت مالی، نفقه خویشاوندان واجب‌النفقة خود را نپردازد مرتکب جرم شده است. اما مجازات این دعوی چیست؟ ماده 642 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 بخش تعزیرات مقرر می‌کند: هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النفقة امتناع کند، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌کند. دادگاه صالح برای رسیدگی در مورد دعوی، دادگاه محل وقوع جرم است. در مورد دعوی آنی در شناخت دادگاه صالح مشکلی پیش نمی‌آید و از آنجا که جرم در یک لحظه به وقوع می‌پیوندد، دادگاه صالح دادگاه محل وقوع جرم است. در دعوی مستمر با توجه به اینکه عنصر مادی جرم در طول زمان ادامه دارد و ممکن است مجرم، جرم مستمر را در مکان‌های مختلف مرتکب شود، باید دادگاه‌های همه محل‌هایی را که جرم در آنها استمرار داشته است، صالح بدانیم. مثلاً در مورد فردی که در تهران مرتکب جرم ترک نفقه شده، سپس به شیراز رفته است، اگر جرم ترک نفقه را آنی بدانیم، تنها دادگاه تهران صالح است اما اگر آن را مستمر بدانیم، هم دادگاه تهران و هم دادگاه شیراز صالح به رسیدگی هستند و هر کدام از این محاکم که زودتر شروع به رسیدگی کند، صلاحیت دارد.

• ازدواج با دختر نابالغ

8

یکی از مجازات‌هایی که در روابط خانوادگی پیش‌بینی شده، مجازات مردی است که با دختری که به حد بلوغ نرسیده بر خلاف مقررات ماده 1041 قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج کرده است. چنین کسی به حبس تعزیری از 6 ماه تا دو سال محکوم می‌شود. اعمال مجازات ماده 646 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 بخش تعزیرات مشروط به آن است که مقررات ماده 1041 قانون مدنی رعایت نشده باشد. بنابراین باید ببینیم که این ماده قانونی چه ترتیبی را برای ازدواج دختر نابالغ پیش‌بینی کرده است: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن 13 سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن 15 سال تمام شمسی منوط به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح است.» با توجه به این ماده قانونی، برای ازدواج دختر زیر 13 سال، علاوه بر اجازه ولی، باید حکم دادگاه مبنی بر وجود مصلحت وجود داشته باشد در غیر این صورت، مردی که بدون رعایت این شرایط اقدام به ازدواج کرده است مجازات خواهد شد.³²

• ازدواج بدون توجه به موانع

در صورت وجود برخی موانع، امکان ازدواج از بین می‌رود. شوهر داشتن زن و در عده بودن وی، از جمله این شرایط است. در صورتی که زن و مردی با وجود این موانع ازدواج کنند مرتکب جرم شده‌اند. البته باید توجه داشت که در صورتی که این ازدواج منتهی به مواقعه و نزدیکی شود، مجازات سنگین زنا در انتظار آنها خواهد بود. ماده 643 قانون مجازات اسلامی مقرر کرده است: هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد کند به حبس از 6 ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا 18 میلیون ریال جزای نقدی و تا 74 ضربه شلاق محکوم می‌شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد شد. ماده 644 قانون مجازات اسلامی هم در این باره می‌گوید: کسانی که با علم و آگاهی مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از 6 ماه تا دو سال یا از سه تا 12 میلیون جزای نقدی محکوم می‌شوند:

32 امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج 4، ص 413، تهران، انتشارات اسلامیه، 1377، چاپ شانزدهم.

هر زنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری در آورد در صورتی که منجر به وقوعه نشود هرکسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج کند در صورتی که منتهی به وقوعه نشود. برخی دعاوی وجود دارد که تنها در موقعیت خاص و از سوی اشخاص معینی واقع می‌شود. اشخاص با توجه به نقشی که در خانواده برعهده می‌گیرند، عناوین مختلفی مثل پدر، دختر، همسر و... را دارا می‌شوند. تشکیل خانواده هم باید و نبایدهای خاص خود را دارد. رعایت نکردن این قوانین همراه با ضمانت‌اجراهایی است. در واقع قانونگذار برای این قبیل اعمال مقررات خاصی را اعمال کرده است و در برخی موارد دست به جرم‌انگاری زده است. در صورتی که الزامات هر یک از این نقش‌ها در خانواده رعایت نشود، منجر به وقوع دعاوی می‌شود که در قانون مجازات اسلامی با عنوان دعاوی بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی شناخته می‌شود.^{۳۳}

این جرم ممکن است دارای سه مجرم باشد: عاقد، زن شوهردار و مردی که می‌خواهد با این زن عقد نکاح ببندد. گاه عاقدی وجود ندارد و زن با مرد مورد نظر، رأساً مبادرت به انشای عقد می‌نمایند. البته چون علم و آگاهی در این جرم نقش اساسی ایفا می‌کند، لذا گاهی از اوقات با توجه به عنصر روانی جرم، فقط ارتکاب جرم به زن، مرد یا به عاقد قابل انتساب باشد. مثلاً چنانکه مرد نداند که زن شوهردار بوده یا در عده می‌باشد یا عاقد از شوهردار بودن یا در عده بودن زن مطلع نباشد یا زن با تهدید یا تطمیع وادار به موافقت به عقد نکاح شود.

• مجازات کیفری انکار یا ادعای نکاح (زوجیت)

انکار زوجیت یا ادعای کذب زوجیت در ماده ۵۲ قانون حمایت خانواده جرم انگاری شده است. مطابق ماده ۵۲ هرکس (چه مرد باشد یا زن) در دادگاه زوجیت را انکار کند و سپس ثابت شود این انکار بی اساس بوده است یا برخلاف واقع با طرح شکایت کیفری یا دعاوی حقوقی مدعی زوجیت با دیگری شود به حبس تعزیری درجه ۶ (شش ماه تا دو سال حبس) و یا جزای نقدی درجه ۶ (شصت میلیون ریال تا دویست و چهل میلیون ریال) محکوم می‌شود. لازم به ذکر است برای تحقق جرم انکار زوجیت یا ادعای خلاف واقع زوجیت انکار یا ادعا باید با طرح دعوا از سوی ذینفع در دادگاه انجام شود.^{۳۴}

• فریب در ازدواج

فریب در ازدواج که از آن به عنوان تدلیس نیز یاد می‌شود، یک موضوع حقوقی است که بسیاری از زوجین با آن مواجه می‌شوند و روز به روز آمار این جرم افزایش پیدا می‌کند. فریب در ازدواج، یک مسئله کیفری خانواده است که به طور معمول پیش از عقد نکاح رخ می‌دهد و یکی از زوجین، طرف مقابل را با دروغ فریب می‌دهد. این مسئله کیفری، قابلیت پیگیری در دادرهای عمومی را دارد و می‌توانید با کمک یک وکیل از حق و حقوق خود دفاع کنید و مراحل لازم را انجام دهید.

از جمله مواردی که می‌توان آن‌ها را فریب در ازدواج در نظر گرفت، پنهان کردن یک نقض و بیماری یا معرفی یک ویژگی خاص برای خود است. در حقیقت فریب عملکردی می‌باشد که با انجام آن، فرد تاثیر می‌پذیرد و تصمیم می‌گیرد که به ازدواج پاسخ مثبت دهد. برای مثال شرایطی را تصور کنید که یک آقا از بیماری چون صرع رنج می‌برد، اما زمانی که برای ازدواج با طرف مقابل صحبت می‌کند، اشاره ای به این بیماری نمی‌کند و مدعی می‌شود که سالم است. در ادامه اگر رابطه بین دختر و پسر، منجر به ازدواج شود، فریب در ازدواج رخ داده است؛ چراکه زن از بیماری همسرش بی اطلاع بوده و زمانی که متوجه این مشکل می‌شود، ممکن است نتواند با شرایط کنار بیاید.

³³ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۶۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ سوم.

³⁴ کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۶۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ سوم.

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۳۰ آذر ۱۴۰۳ محل برگزاری: تهران

۱۹

یا برای مثال در برخی از شرایط، زن مدعی درآمد بالا می‌شود و خود را صاحب مال و اموال زیاد معرفی می‌کند. مسلماً چنین تعریف و ادعاهایی می‌تواند نظر طرف مقابل را جلب کند و در نهایت رابطه آن‌ها منجر به ازدواج شود. پس از عقد نکاح، اگر مشخص شود که زن در رابطه با دارایی و درآمدش دروغ گفته است، فریب در ازدواج رخ داده و مرد می‌تواند با استناد به این موضوع، از همسرش شکایت کند.

مطابق با قانون، فردی که با دروغ و فریب طرف مقابل را به ازدواج راضی کند، مجرم شناخته می‌شود و دادگاه برای وی مجازاتی در نظر خواهد گرفت. طبق قوانینی که وجود دارد، دادگاه در چنین شرایطی، برای فرد مجرم که با دروغ فرد دیگری را راضی کرده است، حبس تعزیری (بین ۳ ماه تا ۱۲ ماه حبس) در نظر می‌گیرد.

مدت زمانی که برای حبس در نظر گرفته می‌شود، بسته به شرایط و خسارت‌هایی که دروغ به زندگی طرفین وارد می‌کند است؛ برای مثال امکان دارد دروغ باعث لطمه‌ای بزرگ به یکی از طرفین شود که دادگاه در چنین شرایطی، بین ۶ الی ۱۲ ماه حبس در نظر می‌گیرد. از طرفی در برخی مواقع، دروغ جزئی و کوچک است و لطمه‌سنگینی به زندگی یکی از طرفین وارد نمی‌کند که در این حالت بین ۳ الی ۶ ماه حبس تعزیری تعیین خواهد شد.

حال نکته‌ای که اهمیت دارد، این است که اگر حبس تعزیری ۳ الی ۶ ماه تعیین شود، قاضی مکلف است که این مجازات را به جزای نقدی یا مجازات‌های جایگزین مانند انجام اقدامات تأمینی یا اصلاحی تبدیل کند. از طرفی اگر حبس ۶ الی ۱۲ ماه باشد، قاضی برای تبدیل مجازات اختیار دارد و می‌تواند در صورت صلاحدید، تخفیفی نیز برای جریمه در نظر بگیرد.^{۳۵}

نتیجه‌گیری

دعاوی در ازدواج، یک موضوع کیفری است که این روزها تعداد پرونده‌های مربوط به آن بیشتر شده و بسیاری از زوجین در رابطه با این موضوع اظهار ناراحتی و شکایت می‌کنند. از همین رو در این مقاله در رابطه با چیستی دعاوی در ازدواج و مواردی که نوعی دعاوی محسوب می‌شوند صحبت شده است. مهم‌ترین ویژگی‌های ازدواج، قانونمند بودن آن است. ازدواج به هر صورتی که باشد، قانونمند است. تمامی مراحل ازدواج از پیوند تا جدایی و نیز پس از فوت یکی از طرفین قانونمند است؛ بنابراین هر ازدواجی بر پایه یک سری قوانین شکل گرفته است و ادامه می‌یابد. این قوانین به سه شکل قوانین عرفی، قوانین شرعی و قوانین مدنی است.

در ایران مقررات ازدواج عمدتاً بر اساس فقه امامیه تدوین شده و ازدواج به دو نحو دائم و موقت می‌تواند صورت پذیرد. در مذهب جعفری آیین اسلام این دو ازدواج در پاره‌ای از آثار با هم یکی هستند و در برخی دیگر اختلاف دارند، تفاوت اصلی و جوهری ازدواج موقت با ازدواج دائم در مدت‌دار بودن ازدواج موقت است که پس از پایان آن رابطه زوجیت به انتها می‌رسد. همچنین در ازدواج موقت برخلاف ازدواج دائم طلاق وجود ندارد، زن حق نفقه ندارد و زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند، مهریه هم در ازدواج دائم لازم است و هم در ازدواج موقت، با این تفاوت که در ازدواج موقت عدم ذکر مهر موجب بطلان عقد است ولی در ازدواج دائم عقد باطل نیست و می‌توان مهریه را بعداً توافق کرد یا در صورت عدم توافق مهرالمثل تعیین می‌شود. طبق قوانین فعلی ایران حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال می‌باشد. لازم است ذکر شود که با موافقت طرفین ازدواج و خانواده‌های آنان و با موافقت دادگاه، دختران و پسران می‌توانند حتی در زیر سن قانونی نیز ازدواج بنمایند.

منابع

آیت الله الخوئی، سید ابوالقاسم: «اجود التقريرات»، موسسه مطبوعاتی دینی، قم، چ دوم، ۱۴۱۰.

³⁵ کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، ص ۶۶۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲، چاپ هشتم.

آیت الله بجنوردی، سید حسن: «القواعد الفقهیه»، نشر الهادی، قم، چ اول، 1419.

ابن ادریس: «سائر»، جامعه المدرسین، قم، چ دوم، 1410.

ابو عبدالله، شمس‌الدین (شهید اول): «دروس»، مؤسسه نشر اسلامی، چ اول، 1412.

اصفهانی، سید ابوالحسن: «وسیلة النجاة»، نجف.

الشیخ قمی، محمد المؤمن: «تسدید الاصول»، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چ اول، 1419.

بازگیر، یدالله: «حقوق خانواده در آیینه آراء دیوانعالی کشور».

حکیم، سید محسن: «منهاج الصالحین»، نجف، چ چهارم.

قاضی ابن براج: «مهذب»، جامعه المدرسین، قم، 1406.

قمی سبزواری، علی بن محمد: «جامع الخلاف و الوفاق»، پاسدار اسلام.

کاتوزیان، ناصر: «حقوق خانواده»، انتشارات بهمن برنا، چ سوم، 1372.

گلپایگانی، جواد: «تقریرات الحدود و التعزیرات»، چاپ خطی.

گلپایگانی، سید جواد: «درالمنضود»، دارالقرآن الکریم، قم، چ اول، 1412.

محقق داماد، «حقوق خانواده نکاح و انحلال آن»، نشر علوم اسلامی، چ چهارم، 1372.

نجفی، محمدحسن: «جواهر الکلام»، دارالمکتب الاسلامیه، چ سوم، 1367.

نوربها، رضا: «زمینه جزای عمومی»، انتشارات کانون وکلای دادگستری، 1369.

Agustinus, L. J., Samekto, F. X. A., & Ispriyarso, B. (2023). TOWARDS A FAIRER FUTURE: EXAMINING ENVIRONMENTAL PERMITS IN INDONESIA AND SWEDEN THROUGH THE LENS OF SUSTAINABLE DEVELOPMENT AND EQUITY. *Journal of Law and Sustainable Development*, 11(2). <https://doi.org/10.55908/SDGS.V11I2.284>

Baten, Joerg; de Pleijt, Alexandra M. (2018). "Girl power Generates Superstars in Long-term Development: Female Autonomy and Human Capital Formation in Early Modern Europe". CEPR Working Paper. 13348.

Bell, Duran (1997). "Defining Marriage and Legitimacy" (PDF). *Current Anthropology*. 38 (2): 237–54. doi:10.1086/204606. JSTOR 2744491.

Brittingham, A. R. P. (2022). Reconciling remote learning with imputed income for custodial parents. *Family Court Review*, 60(2), 181–197. <https://doi.org/10.1111/fcre.12636>

Deane, T. (2021). Marrying Young: Limiting the Impact of a Crisis on the High Prevalence of Child Marriages in Niger. *Laws* 2021, Vol. 10, Page 61, 10(3), 61. <https://doi.org/10.3390/LAWS10030061>

Doty, E. (2022a). Married to Monet: Alternatives for complex asset division in the modern age of matrimony. *Family Court Review*, 60(3), 575–589. <https://doi.org/10.1111/FCRE.12660>

Ember, Carol R. (2016). "Marriage and Family". *Explaining Human Culture*. New Haven, Ct.: Human Relations Area Files.

Gough, E. Kathleen (1959), «The Nayars and the Definition of Marriage" , *Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*: pp. 89:23–34 Nuer female-female marriage is done to keep property within a family that has no sons. It is not a form of lesbianism.

Gudeman, Stephen, (1976) *Relationships, residence and the individual*, p. 131.

Haviland, William A.; Prins, Harald E.L.; McBride, Bunny; Walrath, Dana (2011). *Cultural Anthropology: The Human Challenge* (13th ed.). Cengage Learning. ISBN 978-0-495-81178-7. "A nonethnocentric definition of marriage is a culturally sanctioned union between two or more people that establishes certain rights and obligations between the people, between them and their children, and between them and their in-laws."

Kapelle, N. (2022). Time cannot heal all wounds: Wealth trajectories of divorcees and the married. *Journal of Marriage and Family*, 84(2), 592–611. <https://doi.org/10.1111/JOMF.12824>



- Katz, C. C., Pisciotta, C., Hajjar, R., Wall, E. V., & Lens, V. (2023). Navigating a flawed system: An investigation of the strategies employed by legal teams in family court. *Family Court Review*, 61(2), 287–303. <https://doi.org/10.1111/FCRE.12707>
- Koumoutzis, N. (2023). Judicial Review of Mufti Decisions Applying Islamic Family Law in Greece. *Laws* 2023, Vol. 12, Page 58, 12(3), 58. <https://doi.org/10.3390/LAWS12030058>
- Leach, Edmund (1955). «Polyandry, Inheritance and the Definition of Marriage». *Man*.

19th National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

DECEMBER 20, 2024 | TEHRAN

نوزدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: تهران ۳۰ آذر ۱۴۰۳



ISC_{CM}
Index Science Citation Center

OxfordCert
UNIVERSAL

13

- Mappong, Z., & Lili. (2023). RIGHT TO SELF SUBMISSION TO WESTERN INHERITANCE LAW FOR THE HEIRS OF ISLAMIC RELIGION WHOM THE PROPERTY LEAVER HAS DIFFERENT RELIGION. *Journal of Law and Sustainable Development*, 11(2). <https://doi.org/10.55908/SDGS.V11I2.423>
- Pickar, D. B. (2022). Considerations regarding child and parent neurodiversity in family court. *Family Court Review*, 60(3), 492–506. <https://doi.org/10.1111/FCRE.12655>
- Quek Anderson, D., Chua, E., & Ning, Y. (2022). To negotiate, mediate or litigate? Examining the durability of divorce outcomes in the Singapore family courts. *Family Court Review*, 60(3), 434–457. <https://doi.org/10.1111/FCRE.12661>
- Sferra, A. (2023). A case of mistaken identity: The wrongful classification of Islamic marriage contracts as premarital agreements in New York. *Family Court Review*, 61(1), 175–188.
- Suwadi, P., Manthovani, R., Assyifa, A. K., & Saptanti, N. (2023). LEGAL CERTAINTY ON COMMERCIAL COURT AUTHORITY TO EXAMINE AND ADJUDICATE MARK DISPUTE WITHOUT PRIOR APPEAL PETITION TO THE MARK APPEAL COMMISSION. *Journal of Law and Sustainable Development*, 11(2). <https://doi.org/10.55908/SDGS.V11I2.322>
- Westermarck, Edvard, (1936) *The Future of Marriage in Western Civilization*, p. 3.